

امام باقر علیه السلام و حفظ و صیانت حدیث

دکتر نهله غروی نائینی

(دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)

چکیده: اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله طبق سفارش آن حضرت که در آخرین لحظات حیات فرمودند: «انی تارک فیکم خلیفتین، کتاب الله جبل ممدود ما بین السماء و الأرض، او ما بین السماء الی الأرض و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یراد علی الحوض» (ابن حنبل [بی تا]: ج ۵، ۱۸۲ و ۱۸۹؛ سیوطی ۱۴۲۱: ج ۲، ۶۰)، بالاترین مرجع علمی در کنار قرآن کریم هستند که خداوند متعال برای هدایت و رهبری مسلمانان پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن‌ها را برگزید.

امام باقر علیه السلام پنجمین امام و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در زمانی سکان کشتی هدایت را به دست گرفتند که شرایط اجتماعی، سیاسی نسبتاً متفاوت با دوران ائمه پیشین بر جامعه حکمفرما بود به گونه‌ای که آن حضرت تا حدی توانستند به آموزش علمی مسلمانان پردازند و درهای علوم مختلف را به روی آنان بگشایند. در این جُستار به گوشه‌هایی از حرکت‌های علمی و توصیه و تأیید ثبت و حفظ حدیث، آن بزرگوار اشاره می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: امام باقر علیه السلام، حدیث، کتابت حدیث، صیانت حدیث.

مقدمه

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، خلیفه اول مردم را جمع کرد و گفت: «شما از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیثی نقل می‌کنید که در آن‌ها اختلاف دارید و بعد از شما مردم به اختلاف بیش‌تری مبتلا خواهند شد. چیزی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نکنید و هر کس از شما چیزی

پرسید بگویند بین ما و شما کتاب خدا حاکم است. پس حلالش را حلال و حرامش را حرام شمارید» (ذهبی [بی تا]: ج ۱، ۳).

خلیفه دوم در دوران خلافت خود گفت: «از رسول خدا کم تر حدیث نقل کنید که در این کار من با شما همراهی می کنم (همان: ۷). قاسم بن محمد بن ابی بکر می گوید: «روزی خلیفه در بالای منبر مردم را قسم داد که این نوشته ها (کتاب) را بیاورید. پس از این که همه نوشته هایشان را آوردند، فرمان داد که آن ها را به آتش بکشند» (ابن سعد ۱۳۸۸: ج ۵، ۱۴۰). عمر بن خطاب مدتی قبل از این که از دنیا برود به نقاط مختلف جهان اسلام، فرستاده ای گسیل داشت و چند تن از اصحاب پیامبر ﷺ از جمله ابوذر، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن حذیفه، ابو درداء و عقبه بن عامر را به مدینه احضار کرد و گفت: «این احادیث چیست که در دنیا انتشار داده اید؟» گفتند: «ما را از نقل حدیث نهی می کنی؟» گفت: «نه، نهیتان نمی کنم. همین جا نزد من در مدینه بمانید و به خدا سوگند تا من زنده ام از نظر دور نخواهید شد» (متقی هندی ۱۹۹۳: ج ۵، ۲۳۹).

در زمان عثمان هم وضع دگرگون نشد. او اعلام کرد: «آن احادیثی که در زمان ابوبکر و عمر نشر نشده نباید روایت شود. هر چه در زمان عمر و با اجازه او نقل شده حالا می توان نقل کرد». از این رو، ممنوعیت نشر حدیث پیامبر ﷺ در خلافت دراز (ابرویه [بی تا]: ۵۴) مدت عثمان هم برقرار بود.

در نظرگاه خطیب بغدادی خلفای سه گانه و در رأس آنان خلیفه دوم از کتابت حدیث پیامبر ﷺ جلوگیری می کردند و گاهی برای کسی که از این حکم سرپیچی می کرد مجازات سختی تعیین می نمودند ([بی تا]: ۵۲). این مطلب را هیچ یک از علمای اهل سنت انکار نکرده اند. در نتیجه به سبب این ممانعت ها بسیاری از احادیث از بین رفته است (ابرویه [بی تا]: ۲۴۵؛ ذهبی [بی تا]: ج ۱، ۸۴، ۱۱۹، ۳۳۸؛ حسینی جلالی ۱۴۱۳: ۴۸۴ - ۴۳۹)، نقل به معنا سبب شیوع و پیدایش احادیث مختلف و گوناگون شده و معنای احادیث تغییر یافته است (ابرویه [بی تا]: ۱۰۴؛ حسینی جلالی ۱۴۱۳: ۵۲۵ - ۵۱۰)، روایات دروغین شایع و جعل حدیث رایج (همان: ۵۰۴ - ۴۹) و اسرائیلیات وارد احادیث پیامبر ﷺ شده است. (ابرویه [بی تا]: ۱۴۵)؛ بسیاری از

احادیث مخفی و مردم از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دور مانده‌اند (همان: ۵۴۹ - ۵۳۳).
موقعیت نقل و حفظ حدیث در عصر معاویه نیز به همین گونه بود. او بر منبر گفته بود:
«ای مردم از نقل احادیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرهیزید، مگر حدیثی که در دوران عمر
گفته شده است (خطیب بغدادی [بی تا]: ۹۱؛ ذهبی [بی تا]: ج ۷، ۱). افزون بر این که مردم
را به گفتن حدیث در مدح عثمان و سپس خلیفه اول و دوم تشویق کرد و از مدح
علی بن ابی طالب بازداشت (ابن ابی الحدید [بی تا]: ج ۱۱، ۴۶ - ۴۴).

با توجه به موارد پیشگفته، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در حالی عهده‌دار امر امامت شدند که
شرایط جامعه از نظر نقل و نگهداری احادیث رسول‌الله فرق چندانی با زمان معاویه
نداشت. در فرصتی که در دوران ولایت آن حضرت دست داد به اصلاح و تهذیب
احادیث منقول از رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان مردم پرداختند و با تعالیم و آموزش‌های خود
جامعه اسلامی را هدایت فرمودند. آن حضرت در جمع‌آوری و تصحیح احادیث
پدرانشان و رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اهتمام فراوان داشتند و اطرافیان را به یادگیری و ضبط
صحیح احادیث تشویق می‌کردند.

دوران ولایت امام محمد بن علی الباقر عَلَيْهِ السَّلَام مصادف با خلافت ولید و سلیمان،
یزید، هشام فرزندان عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز بود (امین [بی تا]: ج ۱، ۹۹). سلیمان
کوشید تا وانمود کند که نسبت به خلفای پیشین در رفتار با علوی‌ها و مردم نرم و خوش
رفتار باشد. پس از وی عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید که نسبت به علوی‌ها
خوش رفتار بود و خوف الهی در دل داشت (طبری [بی تا]: ج ۳، ۵۹۵ - ۵۸۵).
عمر بن عبدالعزیز سنت رفتاری خاندانش را شکست و عکس آن‌ها عمل کرد و آن‌ها را
ظالم خواند (یعقوبی ۱۹۵۵: ج ۲، ۲۲۹). از این رو فرصتی برای آن حضرت حاصل شد
تا به نشر فقه و حدیث پردازد و بنای محکمی در ساخت عقاید شیعه پی ریزی کند.
بدین ترتیب با رونق گرفتن کلاس‌های درس و جلسات حدیث و آموزش‌های
امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام، حدیث شیعه پا گرفت، لکن چندی نگذشت که با ظهور فرقه‌های مختلف
و در رأس آن‌ها غلات و دروغ پردازان که به حمایت دستگاه خلافت پا گرفته بودند،
دوباره ضربه‌ها و فشارها به مکتب تشیع وارد آمد. اما در شرایطی که تراکم این

توطئه‌ها می‌توانست به انهدام کلی آثار و مواریت اهل بیت علیهم‌السلام بینجامد. امام باقر علیه‌السلام با سیاستی روشن و صریح به افشای ماهیت غلات پرداختند و قاطعانه آنان را از حوزه شیعیان دور ساختند.

گرچه قلم از نوشتن درباره آن حضرت و زحمات‌ها و رنج‌هایی که آن بزرگوار متحمل شد، قاصر است، نگارنده در صدد است تا گوشه‌هایی از فعالیت‌های علمی آن حضرت را بیان کند.

شرایط فرهنگی علمی جامعه در عصر امام باقر علیه‌السلام

امام محمد بن علی الحسین علیه‌السلام در سال ۵۷ هجری به دنیا آمد و در سال ۱۱۴ رحلت فرمود (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۶۹). به سبب احاطه کامل بر علوم و شکافتن آن‌ها و گسترش آن به «الباقر» ملقب شد. آن حضرت از دوران طفولیت شاهد ستم حکومت غاصب حکام زمان، بر جدش — حسین بن علی — و پدرش و خاندانش علیهم‌السلام و رنج‌ها و مصیبت‌های وارد بر زنان و کودکان اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود (یعقوبی ۱۹۵۵: ج ۲، ۳۲۰). نیز آن حضرت نظاره‌گر دستگاه حکام اموی که در ظاهر کردن فسق و فجور ابایی نداشتند و برای محکم کردن دولت خود از هر ظلم و قتل نیکوکاران و صالحان و اسراف و تبذیر اموال در راه شهوت‌هایشان دریغ نداشتند. زیر بنای سیاسی جامعه چیزی جز اختناق و خفقان علیه اهل بیت پیامبر و شیعیان نبود، در چنین شرایطی ظلم و فساد، حدود سال ۹۵ هجری (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۶۶) یا ۹۹ هجری (یعقوبی ۱۹۵۵: ج ۲، ۲۲۸) با رحلت فرزندش محمد در حدود چهل سالگی سکان هدایت شیعیان آل بیت را به دست گرفت و به سبب شرایط زمان با فاصله گرفتن از سیاست به خدمت اسلام از طریق دفاع از اصول و مبادی و نشر تعالیم و احکام و مناظره با فرقه‌های منحرف پرداخت.

دوران زندگانی آن حضرت با تغییر خلفا و پیدایش فرقه‌ها سراسر مصادف با حوادث، فتنه‌ها و اضطراب‌ها بود و از آنچه خواست الهی بود که جامعه اسلامی وحدت و تکامل و پیشرفت و تحول در میدان‌های علم و نتیجه‌گیری داشته باشد، فاصله گرفته

بود. پیدایش فرقه‌ها و مشرب‌های فکری موانع بزرگ در برابر آموزش امام باقر علیه السلام و توجه و پیروی مسلمانان به آن حضرت بود. لذا آن حضرت در برابر فرقه‌هایی مانند مرجئه و غلات قاطعانه موضعگیری کردند (جعفریان ۱۳۸۳: ۲۹۹ و ۳۰۸).

امام باقر علیه السلام از همه حرکت‌های سیاسی پدید آمده، روی گرداند و متوجه راه علم شد، به گونه‌ای که رونلدس درباره آن حضرت می‌گوید: «مکرمانه زندگی کرد و در گوشه‌گیری‌اش در مدینه، به علم پرداخت و مردم برای سؤال از امامت نزد او می‌آمدند.» (شریف قرشی ۱۴۱۳: ۱۳۸).

جمعی از بزرگان امت اسلامی برای کسب علم به آن حضرت روی آوردند. عالم بزرگ جابر بن یزید جعفی از کسانی بود که نزد آن حضرت رفت. شیخ ابوزهره درباره آن حضرت می‌گوید: «کسی از بزرگان علما قصد مدینه‌النبی نمی‌کرد مگر این که هدفش رسیدن به امام باقر علیه السلام و کسب معالم دین بود. فقها از آن حضرت ظاهر حلال و حرام را گرفتند (همان به نقل از عیون الاخبار و فنون الآثار: ۲۱۳).

امام باقر علیه السلام وارث علم امامت

درباره انتقال علم و میراث امامت و نص بر امامت ابوجعفر، محمد بن علی الباقر علیه السلام صاحب بصائر الدرجات حدیثی از عمران بن موسی نقل می‌کند که راوی گفت: «التفت علی بن الحسین الی ولده و هو فی الموت و هم مجتمعون عنده، ثم التفت الی محمد بن علی ابنه، فقال: یا محمد هذا الصندوق فاذهب به الی بیتک ثم قال: أما آنه لم یکن فیہ دینار و لا درهم و لکنه کان مملوءاً علماً» (فروخ صفار ۱۴۰۴: ج ۴، باب ۱، ۴۴؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۲۲۹)؛ امام علی بن الحسین در حالی که با اطرافیان و دنیا وداع می‌کرد و همه فرزندان آن جناب به دور وجود مبارکش جمع شده بودند، رو به فرزندش محمد بن علی کرد و فرمود: «ای محمد این صندوق را بگیر و همراه خودت به خانه‌ات ببر، سپس فرمود: هیچ دینار و درهمی در آن نیست، لکن پر از علم است. حدیث دیگری نیز نظیر این حدیث آمده است که در صندوق، سلاح رسول الله صلی الله علیه و آله و کتب آن حضرت بود» (فروخ صفار ۱۴۰۴: ج ۴، باب ۴، ۴۸؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۲۲۹).

بدین ترتیب علم و میراث امامت به امام ابو جعفر الباقر علیه السلام منتقل شد. آن جناب «الباقر» لقب گرفت زیرا که شکافنده علم بود و رموز و دقایق آن را روشن ساخت (یعقوبی ۱۹۵۵: ج ۲، ۲۴۹؛ صدوق ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۱۳).

امام باقر علیه السلام و کتابت و حفظ حدیث

امام باقر علیه السلام شاگردان خود را به نوشتن احادیث و ضبط آثار و تدوین علوم دعوت فرمود و با شرکت در مجالس درس و محافل علمی به نشر علوم پرداخت. گرچه دوران آن حضرت مصادف با شدت ظلم بنی امیه و درگیری آن‌ها با مخالفان بود. اما به سبب گرفتاری، دستگاه خلافت کم‌تر فرصت می‌یافت تا به امام علیه السلام توجه کند، لذا به هر جهت برای آن جناب فرصتی دست داد تا به نشر معارف بپردازد.

اهتمام آن حضرت به ثبت و ضبط علوم دینی و نگهداری و مراقبت از جزوه‌های حدیثی به همراه تشویق طلاب به این امر سبب شد که ثبت و جمع‌آوری حدیث را شاگردان و پس از آن حضرت فرزندش — جعفر بن محمد علیه السلام — و شاگردان امام صادق علیه السلام دنبال کنند؛ به این ترتیب بر اثر همت این دو امام بزرگوار علیهم السلام و تلاش راویان اولیه، صدها اصل و جزوه حدیثی در ابواب گوناگون تألیف شد. نکته مهم این است که این فعالیت‌ها در قرن اول هجری مقارن بود با آموزش حدیث در جامعه اسلامی، که به صورت شفاهی رواج و نگارش آن منع رسمی داشت و همان‌گونه که در کتاب‌های تاریخ حدیث و علوم حدیث اهل سنت آمده است: آن‌ها یک قرن پس از صدور حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله را رسماً نوشته و تدوین کردند (سیوطی ۱۴۱۷: ج ۱، ۴۰).

حیات علمی امام باقر علیه السلام

بر اساس آنچه علما و مورخان بر آن اجماع دارند، امام محمد باقر علیه السلام از بارزترین رجال فکری و علمی دنیای اسلام بود (مفید [بی تا]: ۲۸۲؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۳۲۲؛ اربلی ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۲۶). چنان‌که عبدالله بن عطاء مکی می‌گفت: «ما رأیت العلماء

عند احد قَطَّ اصغر منهم عند ابي جعفر و لقد رأيت الحكم بن عيينه مع جلالته في القوم بين يديه كأنه صبي بين يدي معلمه» (مفيد [بی تا]: ۲۸۰؛ اربلی ۱۴۰۵: ج ۲، ۱۱۸-۱۱۷)، «علما را در محضر کسی کوچک تر از آنها در محضر ابو جعفر ندیدم. حکم بن عیینه با تمام عظمت علمی اش در میان مردم در برابر آن حضرت مانند دانش آموزی در مقابل معلم خود به نظر می رسید». ذهبی در نظرگاه ابو جعفر از کسانی بود که میان علم و عمل و سروری و شرف و وثاقت و متانت جمع کرده و او سزاوار خلافت بود.

آن حضرت به گسترش علم و اشاعه آن میان مسلمانان پرداخت در زمانی که جمود فکری بر سراسر عالم اسلامی حاکم بود. در آن شرایط امام علیه السلام از اوضاع سیاسی کاملاً کناره گرفت و در هیچ حرکت سیاسی شرکت نکرد بلکه با پرداختن به علم، ستون علم را بالا برد و پایه های آن را محکم و اصول آن را پی ریزی کرد. آن حضرت پرچم دار و معلم و رهبر این امت در مسیر فرهنگی شد. راه های مختلف فضای بحث های علمی در حیات اسلامی توسعه یافت و سبب تکوین و پیشرفت و تمدن نسل هایی که بعد از آن حضرت آمدند، شد. عالم ترین افراد زمان آن حضرت گفته اند که آن جناب به لقب باقر العلم در میان عام و خاص و در هر عصر و زمانی مشهور بود، زیرا که علم را می شکافت و اصل و موارد مخفی آن را می دانست و آن را توسعه داد (ابن عماد حنبلی [بی تا]: ج ۱، ۱۴۹). محمد بن مسلم می گوید: «از آن حضرت سی هزار حدیث پرسیدیم» (امین [بی تا]: ج ۱، ۶۵۱). آن جناب وارث علم جدش رسول الله و پدرانش ائمه طاهرین بود. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرموده است: «آل محمد أبواب الله و الدعاء الى الجنة و القادة اليها» (حرّ عاملی ۱۴۰۳: ج ۳، ۱۸، ۴۲). فرزندان محمد صلی الله علیه و آله درهای علوم الهی و راه رسیدن به بهشت خداوند و سوق دهندگان مردم به آن جا هستند. آن حضرت به حکم بن عیینه فرمودند: «شرقاً أو غرباً فلا تجدان علماً صحيحاً إلا شيئاً خرج من عندنا» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۹۹)، «به شرق و غرب عالم بروید جز علم ما علم صحیحی نمی یابید».

آغاز پیدایش عرصه های علمی و توجه امام باقر به گسترش معارف الهی همزمان

بود با نهایت جور و ستم خاندان بنی امیه که به سرکوب مردم مشغول بودند. زید زَرَادِی از امام صادق و آن حضرت نیز از پدرش امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «یا بُنَّیْ اعرف منازل الشیعه علی قدر روایتهم و معرفتهم، فان المعرفة هی الدارِیة و بالدراِیة للروایات یعلو المؤمن الی أقصى درجات الایمان...» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۴۸).

نشر فقه اسلامی — که حامل روح اسلام و جوهره و کاربرد آن در زندگانی است — از مهم‌ترین مطالبی بود که امام علیه السلام به آن عنایت بسیار داشتند و در این جهت مدرسه بزرگی که به وجود کبار فقها — همچون ابان بن تغلب، محمد بن مسلم، برید، ابی بصیر اسدی، فضیل بن یسار و معروف بن خربوذ و زرارۀ بن اعین — ارزشمند بود، به پا داشتند. این‌ها کسانی بودند که صحابه و علما به تصدیقشان و اقرار به فقیه بودنشان و برتری آن‌ها در تدوین احادیث اهل بیت اجماع دارند و اگر این‌ها نبودند این ثروت فکری که سبب عزت عالم اسلامی و یکی از مدارک اساسی فقهای شیعه در استنباط در احکام شرعی است، ضایع می‌شد و از بین می‌رفت. آن حضرت به ابان بن تغلب فرمودند: «اجلس فی مسجدالمدینة و افئ الناس فانی أحبُّ أن یری فی شیعتی مثلک» (نجاشی [پی‌تا]: ۷؛ اردبیلی غروی حائری ۱۴۰۳: ج ۱، ۹)؛ «در مسجد مدینه بنشین و برای مردم وقتها بده به درستی دارم مانند تو در میان شیعیانم دیده شوند».

امام باقر علیه السلام فقها و اهل علم را از نظر نیاز زندگی و امور اقتصادی تأمین می‌کرد تا با فراغت خاطر به تحصیل علم و ضبط قواعد و تدوین علم بپردازند و به فرزندش امام صادق علیه السلام نیز سفارش می‌کرد که پس از آن حضرت مراعات حال فقها و مخارج زندگی آن‌ها را بنماید تا نیاز و زندگی مادی آن‌ها را از پرداختن به مسائل مهم بازدارد. آنان نیز به تدوین احادیثی که از آن حضرت می‌شنیدند، می‌پرداختند، به گونه‌ای که شاگرد آن حضرت جابر جعفی هفتاد هزار حدیث از آن بزرگوار روایت کرد (ذهبی [پی‌تا]: ج ۱، ۳۸۳؛ شریف قرشی ۱۴۱۳: ۱۰). ابان بن تغلب نیز روایات بسیاری از آن حضرت نقل کرد که دیگران (تابعین امام) از وی روایت کرده‌اند (نجاشی

۱. اهل کوفه از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده، دارای کتاب و اصل بوده و جرحی درباره‌اش گفته نشده است (اردبیلی غروی حائری ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۴۱).

[بی تا: ۹]. موسوعه‌های فقهی، مجموعه‌های بزرگی از روایات شاگردان از آن حضرت در همه ابواب فقه، از عبادات گرفته تا عقود و ایقاعات، بر پا شد که تأسیس‌کننده و نشردهنده فقه اهل بیت بود و جابر جعفی گفته است: «حدثنی ابو جعفر سبعین الف حدیث لم أحدث بها احداً ابداً» (مفید [بی تا]: ۶۶؛ امین [بی تا]: ۶۵۱)؛ «ابو جعفر هفتاد هزار حدیث برایم گفت که هرگز کسی چنین احادیثی نگفته است».

آن حضرت صدارت و حکمرانی مکتب فقه اسلامی را متحول کرد (شریف قرشی ۱۴۱۳: ۱۱). سخنرانی‌ها و بحث‌های امام علیه السلام به فقه اسلامی محدود نمی‌شد، بلکه در همه انواع علوم از جمله فلسفه، علم کلام و طب گسترش داشت. آن حضرت علیه السلام برای آموزش تفسیر و تبیین قرآن کریم زمان خاصی را به بیان تفسیر کلام الهی اختصاص دادند. پیش‌تر مفسران، آنچه تفسیر کردند از کلام آن حضرت و روایات آن بزرگوار از پدران‌ش در تفسیر آیات قرآن گرفتند؛ هم‌چنان که زیاد بن منذر^۱ کتاب آن را طلب می‌کردند حتی با ریختن خون‌ها و فرو رفتن در عمق تاریکی‌ها. درباره فضل علم فرمود: «تعلمو العلم فان تعلمه جنة و طلبه عبادة و مذاکرته تسبیح، و البحث عنه جهاد و تعلمیه صدقة و بذله لأهله قریة، و العلم منار الجنة و أنس الوحشة و صاحب فی القریة، و رفیق فی الخلوة، و دلیل علی السراء، و عون علی الضراء و زین عند الاخلاء و سلاح علی الأعداء، یرفع الله به قوماً فیجعلهم فی الخیر أئمة، یتهدی بفعالهم و تقتص آثارهم و یصلی علیهم کل رطبٍ و یابسٍ و حیتان البحر و هوامه، و سباع البرّ و انعامه...» (شریف قرشی ۱۴۱۳: ۲۳۴ به نقل از تذکرة ابن حمدون، ۲۶).

امام باقر علیه السلام فرمایشاتی در فضل علم، مجالست با علما، آداب متعلم، بذل علم، تشویق بر علم، تفقه در دین، عمل به علم، نهی از فتوا دادن بدون علم، صفات عالم و... دارند.

امام باقر علیه السلام درباره مفاد مورد آموزش می‌فرماید: «من علم باب هدی فله مثل أجر من عمل به و لا ینقص أولئک من اجورهم شیئاً و من علم باب ضلال کان علیه مثل

۱. شیخ طوسی او را در زمره اصحاب امام باقر و امام صادق: ذکر کرده و نوشته است: زیاد بن منذر، ابوالجارود همدانی خازنی.

أوزار من عمل به و لا ینقص اولئک من أوزارهم شیئاً» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۵). «هر که به مردم دری از هدایت بیاموزد مانند پاداش ایشان را خواهد داشت بدون این که از پاداش آن‌ها چیزی کم شود و کسی که به مردم دری از گمراهی آموزد، مانند گناه ایشان دارد بدون این که از گناه آن‌ها چیزی کم شود».

آن حضرت درباره نیکو آموزش دادن فرمود: «فان أنت أحسنت فی تعلیم الناس و لم تتجبر علیهم زادک الله من فضله، و إن أنت منعت علمک و أخرقت بهم عند طلبهم العلم منک کان حقاً علی الله عزّ و جل أن یرسلک العلم و بهاءه و یسقط من القلوب محلک» (شریف قرشی ۱۴۱۳: ۳۷ به نقل از: مکارم الاخلاق، طبرسی ۱۳۷۹: ۱۴۳)؛ «اگر در آموزش مردم روشات را نیکو کنی و به آنان سخت نگیری، حق تعالی از فضل خود بر تو بیفزاید و اگر علمات را مانع شوی و از آنان دریغ داری، در حالی که خواستار آن از تو هستند، خدای عزوجل حق دارد که علم و نور آن را از تو بگیرد و جایگاه تو را قلب‌ها از بین ببرد».

آن حضرت علیه السلام فرمود: «سارعوا فی طلب العلم، فوالذی نفسی بیده الحدیث واحد فی حلال و حرام تأخذه عن صادق خیر من الدنیا و ما حملت من ذهب و فضّه، و ذلک ان الله یقول: اما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» یعنی برای به دست آوردن علم کوشا باشید. قسم به آن که جانم در دست اوست، یک حدیث درباره حلال و حرام که از فرد صادقی فرا بگیرید، برای شما بهتر از دنیا و همه طلا و نقره‌ای است که حاوی آن است. زیرا خداوند متعال فرموده است: آنچه رسول صلی الله علیه و آله به شما داده بگیرد و آنچه شما را از آن نهی کرده، از آن باز ایستید» (نک. معجم الفاظ بحار: ۳۸ به نقل از ادب الاملاء سمعانی).

امام باقر علیه السلام افراد را از فتوا دادن بدون علم نهی می‌فرمود و می‌گفت: «من أفتی الناس بغير علم و لا هدیّ لعنته ملائکة الرحمن و ملائکة العذاب ولحقه وزرّ من عمل بفتیاه» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۲؛ شریف قرشی ۱۴۱۳: ۲۳۹). «هر که بدون داشتن علم و هدایت فتوا دهد (جواب استفتای مردم را بدهد)، فرشتگان رحمت و ملائکه عذاب او را لعن می‌کنند و وزر و گناه هر که به فتوای او عمل کرده را به گردن او می‌گذارند».

آن حضرت دربارۀ فضل علم فرمود: «تعلّموا العلم فان تعلمه جنة و طلبه عبادة و مذاکرته تسبیح، و البحت عنه جهاد و تعلّمیه صدقة و بذله لأهله قریة، و العلم منار الجنة و أنس الوحشة و صاحب فی القرية، و رفیق فی الخلوّة، و دلیل علی السراء، و عون علی الضراء و زین عند الاخلاء و سلاح علی الأعداء، یرفع الله به قوماً فیجعلهم فی الخیر أئمة، یرتدی بفعلهم و تقص آثارهم و یصلی علیهم کل رطبٍ و یابس و حیتان البحر و هوامه، و سباع البئر و انعامه...» (شریف قرشی ۱۴۱۳: ۲۳۴ به نقل از تذکرة ابن حمدون، ۲۶).

امام باقر علیه السلام فرمایشاتی در فضل علم (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۵، ح ۲ و ۴؛ ۳۲، ح ۴ و ۸)، مجالست با علما (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۹، ح ۲ و ۵)، آداب متعلم، بذل علم «زکاة العلم أن تعلمه عبادالله (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۱، ح ۳)، تشویق بر علم، تفقه در دین، عمل به علم، نهی از ابراز آگاهی بدون داشتن علم (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۲ و ۴۳، ح ۳ و ۴ و ۷ و ۹)، صفات عالم و... دارند (همان: ج ۱، «کتاب فضل العلم»).

اصحاب، راویان و کلاس‌های درس امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام به نشر تعالیم اسلام پرداخت و هزاران عالم و طالب علم و حدیث شیعه دور آن جناب جمع شدند (معروف حسنی [بی تا]: ۱۹۷). حسن بن وشاء — از اصحاب امام رضا علیه السلام — می‌گوید: «۹۰۰ شیخ را در مسجد کوفه درک کردم که تدریس می‌کردند و احادیث جعفر بن محمد و پدرش را روایت می‌کردند (خویی [بی تا]: ج ۵، ۳۵).

شیخ طوسی نام ۴۶۵ مرد و دو زن — خدیجه بنت محمد بن علی بن الحسین و حبابه و البیه — از اصحاب آن حضرت را ذکر کرده است (رجال ۱۴۱۵: ۱۵۱ - ۱۲۳). برخی از ایشان عبارت‌اند از: ابراهیم بن عمر صنعانی یمانی، أبان بن تغلب، اسحاق بن عبدالله بن أبی طلحة، ثابت بن دینار (ابو حمزه ثمالی)، جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول صلی الله علیه و آله و...؛ اما کتاب محدثات شیعه چهار زن راوی دیگر را نام برده است (غروی ۱۳۷۵: ۳۳۶).

شیخ مفید، اصحاب آن حضرت را از فرمایش امام صادق علیه السلام چنین برمی‌شمرد: «زراره، ابو بصیر مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه و جابر بن یزید جعفی (مفید، [بی تا]: ۶۶) و سید محسن امی این افراد را در مقام صحابی امام معرفی می‌کند: جابر بن یزید جعفی، حران و زراره (پسران اُعین)، حجر بن زاید، عبدا... بن شریک عامری، فضیل بن یسار بصری، سلام بن مستنیر، برید بن معاویه عجللی، حکیم بن ابی نعیم (امین [بی تا]: ج ۱، ۹۹ و ۶۵۵). راویان بسیاری از امام باقر علیه السلام حدیث نقل کرده‌اند. کتاب‌های رجالی شیعی بسیاری را نام برده‌اند (نک. رجال طوسی، جامع الرواة، معجم رجال الحدیث). ابن حجر راویان امام باقر علیه السلام را چنین ذکر می‌کند: پسرش جعفر، اسحاق سیبعی، أعرج، زهری، عمرو بن دینار، ابو جهضم موسی بن سالم، قاسم بن فضل اوزاعی، ابن جریح، اعمش، شیبیه بن نصاح، عبدالله بن ابی بکر بن عمرو بن حزم، عبدالله بن عطاء، بسام صیرفی، حرب بن سریج، حجاج بن أرطاة، محمد بن سوجه، مکحول بن راشد، معمر بن یحیی بن بسام و دیگران (ابن حجر عسقلانی ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۲۵) و ذهبی هم می‌نویسد: عمرو بن دینار، اعمش، اوزاعی، ابن جریح و قره بن خالد ذهبی ([بی تا]: ج ۱، ۱۲۴).

سید محسن امین دربارهٔ چگونگی کلاس‌های امام علیه السلام و نحوهٔ تدریس آن حضرت می‌نویسد «که درس‌های امام در راه، نزدیک مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، مکان‌هایی که بعدها بر اثر بزرگ کردن مسجد در زمان خلفا، بخشی از مسجد شد و گاه در خانه برقرار می‌شد. فقها و علمای حجاز نزد آن حضرت می‌آمدند و از آن جناب علم می‌آموختند و آنچه یاد می‌گرفتند تدوین می‌کردند. مردم از همهٔ نقاط زمین از عراق، از قم و سایر سرزمین‌ها در فصل حج به مدینه می‌رفتند و در آن جا مدتی اقامت می‌کردند و از آن جناب علم فرا می‌گرفتند و دربارهٔ مشکلاتشان سؤال می‌کردند و هنگامی که به سرزمین‌هایشان بازمی‌گشتند آن مطالب را بازگو می‌کردند و آن‌ها را می‌نوشتند» (امین [بی تا]: ج ۱، ۹۹).

مطالبی که آن حضرت تدریس می‌فرمودند در موضوعات تاریخ، تفسیر، علم نحو، علم رجال و سنت و فقه، ادبیات شعر، خطبه خواندن بود در حالی که جامعهٔ اسلامی

عرب‌ها در دوران حیات امام باقر علیه السلام در شعر و ادب، دیگر مانند دوران قبل از اسلام نبود.

حلقه‌های درسی، محل‌های تدریس، یعنی مدرسه امام محل تولید علم به تمام معنا بود، علمی که از منبع وحی به همراه درایت و تعقل و اندیشه آن حضرت تراوش می‌کرد. این مطلب، امر مهمی است که ما پیروان آن حضرت باید به آن توجه و از آن پیروی کنیم، نه این که مقلد و مترجم علم مردم دیگر سرزمین‌ها باشیم. ما که منابع غنی‌تر و خالص‌تر از سایر امت‌ها داریم. با استعانت الهی و با همت و کوشش و تفکر و تعمق، گشاینده علوم باشیم.

علمی که امام باقر علیه السلام به آن اهتمام داشتند

هم‌چنان که گفته شد امام باقر علیه السلام شکافنده و مروج بسیاری از علوم شناختی و دینی بودند، سال‌های (۹۵ - ۱۱۴) زمان پیدایش مشرب‌های فقهی و اوج‌گیری نقل حدیث درباره تفسیر بود. از علمای اهل سنت افرادی چون ابن شهاب زهری، مکحول، قتاده، هشام بن عروه و... در زمینه نقل حدیث و ارائه فتوا فعالیت می‌کردند. وابستگی عالمانی مانند زهری، ابراهیم نخعی و ابوالزناد که همگی کمابیش به دستگاه حاکمیت اموی وابستگی داشتند (جعفریان ۱۳۸۳: ۲۹۲)، نقش وجودی امام باقر علیه السلام را پررنگ‌تر می‌کرد. آن حضرت در تفسیر قرآن شهرت بسیار داشتند به همین سبب درباره شخصیت علمی ایشان گفته‌اند: «لم يظهر عن احد من ولد الحسن و الحسين من العلوم ما ظهر منه من التفسیر و الکلام و الفتی و الاحکام و الحلال و الحرام» (جعفریان ۱۳۸۳: ۳۰۵). «آنقدر که از امام باقر در علوم (تفسیر، کلام، فتوا، احکام و حلال و حرام مطلب صادر شده است از هیچ یک از فرزندان امام حسن و امام حسین به میزان آن مطلب نرسیده است».

بنابراین فرمایشات و آموزش‌های علمی آن حضرت را می‌توان چنین نام برد:

۱. علم حدیث

علم حدیث از علوم مورد بحث و اهتمام امام محمد بن علی علیه السلام بود. آن حضرت احادیث جدّ بزرگوارش رسول‌الله صلی الله علیه و آله و احادیث پدران مطهرش که بعد از قرآن دومین مأخذ و مصدر تشریح اسلامی است معنا و بیان می‌فرمود، زیرا آن جناب در امر

فهم حدیث اهتمام زیادی به خرج می‌داد و فهم حدیث و معرفت مضمون آن را از معیارهای فضل راوی می‌دانست؛ چنانکه فرمود: «اعرف منازل الشيعة على قدر رواياتهم و معرفتهم، فان المعرفة هي الدراية للرواية و بالدراية للرواية يعلو المؤمن الى أقصى درجات الايمان... انى نظرت فى كتاب لعلی فوجدت فى الكتاب أن قيمة كل إمريء و قدره معرفته. ان الله تعالى يحاسب الناس على قدر ما آتاهم من العقول فى دار الدنيا» (صدوق ۱۴۰۳: ۳)؛ «منزلت و جایگاه شیعیان ما را از میزان روایاتشان و شناختشان (از ما) دریابید؛ همانا که معرفت، یعنی فهم روایت و با فهم روایت است که مؤمن به بالاترین درجات ایمان می‌رسد. در کتاب علی (ع) نگریستم و در آن یافتم که فرموده بود: ارزش و قدر هر فرد به شناخت اوست. حق تعالی مردم را به میزان عقلی که به آنان در زندگی دنیا داده است محاسبه می‌کند».

امام باقر علیه السلام به صورت پاسخ سؤالات مطالب عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین کتاب خدا نکات مهم را که در استنباط حکم فقهی لازم است، بیان فرمودند.

آن حضرت علیه السلام در پذیرش حدیثی که دیگران عرضه کنند، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که فرمود: «إِنَّ حَدِيثَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لَا يُؤْمَنُ بِهِ إِلَّا مَلِكٌ مُقْرَبٌ أَوْ نَبِيٌّ مَرْسَلٌ أَوْ عَيْدٌ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيْمَانِ فَمَا عَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَدِيثِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَلَا تَنْتَ لَهُ قُلُوبِكُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ فَخَذُوهُ وَ مَا شِمَازَتْ مِنْهُ قُلُوبِكُمْ وَ أَنْكَرْتُمُوهُ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى الْعَالَمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله...» (فیض کاشانی [بی تا]: ج ۱، ص ۷)؛ «حدیث اهل بیت پیامبر سخت و سخت‌پذیر است. جز فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده‌ای که قلب‌اش برای ایمان امتحان شده، به آن ایمان نمی‌آورند و اگر فردی حدیث اهل بیت پیامبر را بر شما عرضه کرد، قلب شما بر آن آرام گرفت و آن را شناختید پس بگیری‌دش و اگر از آن، قلبتان مشمئز شد و نپذیرفتید، آن را به خدا و رسول و عالم از آل پیامبر ارجاع دهید». آن حضرت به نقل حدیث تأکید می‌فرمود، چنان‌که از طریق اصحاب امام علیه السلام از آن جناب از رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «تذاکروا و تلاقوا و تحدّثوا فان الحدیث جلاء للقلوب، انّ القلوب لتسیرن کما یرین السیف جلاؤها الحدیث» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۴۱)؛ «با یکدیگر ملاقات، مذاکره و

حدیث نقل کنید، زیرت جئیت صیقل نلختسن. همانا دل‌ها مانند شمشیر زنگار می‌گیرد و صیقل آن‌ها حدیث است».

امام باقر به فراگیری صحیح احادیث و درست نقل کردن آن تأکید داشتند، چنان‌که عمرو بن ابی مقدم می‌گوید: «اولین باری که بر امام باقر وارد شدم، فرمود: تقبل از آموزش حدیث، راستگویی را فراگیرید» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۰۴).

آن حضرت برای تصحیح احادیثی از رسول الله ﷺ که در دست مردم بود نیز بسیار کوشیدند، از جمله: «زراره نقل می‌کند که کنار ابو جعفر علیؑ رو به کعبه نشسته بودم، به من فرمود: زراره این را بدان که تماشای کعبه هم عبادت است. در این اثنا مردی آمد و گفت: 'کعب الاحبار یهودی می‌گفت: هر روز صبحگاهان خانه کعبه در برابر بیت المقدس سر به خاک می‌ساید.' ابو جعفر علیؑ به او فرمود: 'تو در این باره چه می‌گویی؟' آن مرد گفت: 'کعب الاحبار راست گفته است.' امام علیه السلام در خشم شد و با تندی فرمود: 'تو دروغ گفته‌ای و کعب الاحبار هم با تو دروغ گفته است.' زراره گوید: 'تا آن روز ندیده بودم که امام علیؑ با تندی و صراحت به کسی بگوید: تو دروغ می‌گویی.' (کلینی ۱۳۶۷: ج ۴، ص ۲۳۹).

احادیث منقول از امام باقر علیؑ از رسول الله ﷺ - جدش - بیش تر در زمینه فضل علم و ترغیب به آن و نیز احادیثی در آداب رفتار و اخلاق بوده است، چنان‌که از قول پدرانیش از رسول الله ﷺ فرمود: «فضل العلم أحب الی الله من فضل العبادة، و أفضل دینکم الورع...» (صدوق ۱۴۰۳: ۴)؛ «برتری علم نزد حق تعالی محبوب تر از برتری عبادت است و برتری دینتان، پرهیزکاری است». نمونه فرمایشات آن جناب عبارت‌اند از:

۱. امام باقر علیؑ از رسول اکرم ﷺ نقل فرمود: «قال: یا معاشر قراء القرآن اتقوا الله عزوجل فیما حملکم من کتابه فانی مسؤول و انکم مسؤولون، انی مسؤول عن تبلیغ الرسالة، و أما انتم فتسألون عما حملتم من کتاب الله و سنتی»، (کلینی ۱۳۶۷: ج ۲، ۶۰۶). «ای گروه قرآن‌خوانان از خدای عزوجل پرهیزید در آنچه از کتاب خود به شما داده است زیرا که من مسئولم و شما هم مسئول هستید. من برای رساندن و تبلیغ رسالت مسئولم و شما از آنچه از قرآن و سنت من در بردارید مسئول هستید».

۲. «روی علیه السلام عن آبائه عن رسول الله... انه قال: لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن اربع: عن عمره فيما أفناه، عن شبابه فيما ابلاه و عن ماله من أين اكتسبه و فيما انفقه و عن حبا اهل البيت...» (صدوق ۱۴۰۳: ۲۳۱) «در روز قیامت از هر فردی درباره چهار چیز سؤال خواهد شد. درباره عمرش که برای چه چیز فنا شد. از جوانی اش که در چه راهی امتحان شد و از دارایی اش که از کجا به دست آورد و چگونه خرجش کرد و درباره دوستی، اهل بیت پیامبر».

به طور کلی احادیث منقول از آن حضرت از نظر سند را می توان به دو نوع تقسیم کرد: الف) احادیث مسند که حضرت سند حدیث را ذکر می فرمود، این نوع حدیث خود دو گونه بود:

احادیثی که از طریق پدرانش از رسول الله صلی الله و علیه و اله نقل می فرمود. احادیثی که از راویان دیگر مانند جابر بن عبدالله انصاری، ابن عباس، ابوسعید خدری و... نقل می کرد.

ب) احادیث مرسل که رجال سند ذکر نشده اند و حضرت مستقیماً از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می فرمود. درباره این گونه احادیث از آن جناب سؤال شد که چگونه از رسول اعظم بدون زیارت آن حضرت نقل می فرماید؟ فرمود: «اذا حدثت بالحديث فلم أَسْئَلُهُ فسندي فيه ابي زين العابدين عن ابيه الحسين الشهيد عن ابيه علي بن ابي طالب عن رسول الله... عن جبرئيل عن... عز و جل...» (شريف قرشي ۱۴۱۳: ۱۴۲: طبرسي ۱۳۷۹: ۲۷۰). باید در نظر گرفت که ائمه هدی با داشتن علم لدنی و علم پدرانشان و طهارت ذاتی نیازی به ارائه سند نداشتند. آنان حق بودند و جز حق نمی گفتند، صادق بودند و جز صدق، گفتاری نداشتند. اما امام صلی الله علیه و آله در بسیاری از فرمایشاتشان سند حدیث را ذکر می کردند. به نظر می رسد که ذکر سند به سبب اقتناع مخالفان و خرده گیران بوده باشد.

۲. علم تفسیر قرآن کریم

از علوم دیگری که امام باقر علیه السلام وقت خاصی به آن اختصاص دادند، علم تفسیر قرآن بود. علمای تفسیر در همه شئون تفسیری، به رغم اختلاف آراء و نظریاتشان مطالب

زیادی از حضرت فرا گرفتند.

در کنار بیان تفسیر، آن حضرت درباره فضل قرائت قرآن، تلاوت با صوت نیکو، تنزیه قرآن از باطل، ذم محرفین قرآن، بیان و توضیح کلمات یا عبارات مجاز قرآن (مانند بیان درباره «یدالله»)، این که «بسم الله» جزء سوره های قرآن است، بیاناتی ایراد فرمودند. درباره نزول قرآن بر سبعة احرف، زراره از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «ان القرآن واحد نزل من عند واحد، و لكن الاختلاف یجیء من قبل الرواة» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۲، ۶۳۰)؛ «قرآن یگانه است و از نزد (خدای) یکتا نازل شده است لکن اختلاف از جانب راویان است».

نمونه های تفسیری آیات قرآن در تفسیر امام علیه السلام

امام باقر علیه السلام دارای مجموعه تفسیر قرآن کریم بوده اند که اکنون در دست نیست، لکن نشانه های آن در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر فرات، کافی کلینی، تفسیر تیبان، تفسیر مجمع البیان، تفسیر البرهان، تفسیر نورالثقلین، خصال صدوق، اختصاص مفید، بصائر الدرجات صفار، مناقب ابن شهر آشوب و بحار الانوار علامه مجلسی می توان یافت.

روایاتی از آن حضرت درباره برخی موضوعات قرآنی نیز نقل شده است که عبارت اند از:

الف) فقه القرآن

دسته ای از روایات تفسیری امام علیه السلام تفسیر در بیان آیات الاحکام است که شامل طهارت آب و خاک، تحریم شراب و امثال آن، مسائل ارث، نماز و برخی احکام آن و احکام بانوان است که آیات قرآن درباره آنهاست و حضرت درباره آنها توضیح داده اند. برای نمونه در مسئله طهارت موارد زیر مشهود است: الف) برای آیه ۶ مائده که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الى الصلوة فاعسلوا وجوهکم و ایدیکم الى المرافق» شیخ طوسی با اسناد خود از زراره از امام باقر علیه السلام درباره وضوی رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «فدعاً بطست أو بتور فیه ماء فغسل کفیه ثم غمس

کفه الیمنی فی التور فغسل وجهه بها و استعان بیده الیسری بکفه علی غسل وجهه، ثم غمس فیہ کفه الیمنی فی التور فغسل وجهه بها و استعان بیده الیسری بکفه علی غسل وجهه...» (طوسی ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۶؛ نظیر این حدیث، کلینی ۱۳۶۷: ج ۳، ۲۶-۲۵). «حضرت ظرف آبی خواستند، دست‌های مبارکشان را در آن شستند. سپس کف دست راست را در ظرف آب فرو بردند و صورتشان را با آن شستند و از دست چپ برای شستن صورت کمک گرفتند. سپس کف دست راست را در ظرف آب فرو بردند و صورت خود را با آن شستند».

ب) قصه‌های قرآنی

نمونه دیگری از تفسیر امام درباره داستان‌های قرآن کریم است. شامل: خصائص قصه‌های قرآن، قصه حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت ادریس علیه السلام... جالوت و طالوت، اسراء و معراج. مثلاً برای قصه حضرت یوسف علیه السلام در بیان آیه (۴ یوسف) که می‌فرماید: «اذ قال یوسف لأبیہ یا أبتِ انی رأیتُ أحدَ عشرَ کوکباً و الشمس و القمر رأیتهم لی ساجدین» از ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «تأویل هذه الرؤیا أنه سیملک مصر و یدخل علیه أبواه و اخوته، فأما الشمس فأم یوسف راحیل، و القمر یعقوب و أما «أحد عشر کوکباً» فإخوته، فلما دخلوا علیه سجدوا شکراً لله وحده حين نظروا الیه، و كان ذلك السجود لله» (قمی [بی تا]: ذیل تفسیر آیه)؛ «تعبیر این خواب چنین است که تو به زودی مَلِک مصر می‌شوی و والدین و برادرانت به آن جا وارد می‌شوند و تعبیر خورشید مادر یوسف، راحیل است و ماه، یعقوب است و یازده ستاره، برادرانش هستند. پس هنگامی که بر او وارد شدند، در حالی که به یوسف می‌نگریستند، برای شکر حق تعالی سجده کردند و آن سجده برای الله بود».

ج) بیان آیات ولایت

تبیین آیاتی که درباره مسئله ولایت است. شامل: پیشی گرفتن امام در راه ولایت، جایگاه اهل بیت در ولایت، ولایت کبری مخصوص امیرالمؤمنین است. برای مثال در تفسیر آیه (۱۴۳ بقره) که می‌فرماید (و کذلک جعلنکم أمة وسطاً لتکونوا شهداء

على الناس و يكون الرسولُ عليكمُ شهيدا با كمال تواضع فرمود: نحن الأمة الوسط، و نحن شهداء لله على خلقه و حجته في أرضه (طبرسی ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۲۴)؛ «ما امت وسط هستیم و ما شاهدان و حجت‌های خداوند بر خلقش هستیم».

نیز درباره آیه ۸۳ النساء که می‌فرماید: ﴿و لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَىٰ أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ﴾ امام علیؑ فرمود: «هم الائمة» (عباشی [بی تا]: ذیل تفسیر آیه).

(د) معنی، المعنی فی قرآن

در هر سوره‌ای از سور قرآن صدها دلالت علمی و فرهنگی، توجیهی و تذکری وجود دارد که امام بر همه آن‌ها اشراف داشتند. برای نمونه، درباره آیه مبارکه (۲۶۱ بقره) که می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ از حرمان نقل شده که از امام ابوجعفر علیؑ پرسیدم: رأیت المؤمن له فضل علی المسلم فی شیء من الموارث و القضايا و الأحكام حتی يكون للمؤمن أكثر مما يكون للمسلم من الموارث أو غیر ذلك؟ قال علیؑ: لا هما یجریان فی ذلك مجری واحداً اذ حکم الامام علیهما، و لكن للمؤمن فضلاً علی المسلم فی أعماله. قال: فقلت: أليس الله يقول: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امثالها﴾ (انعام: ۱۶۰) و زعمت أنهم مجتمعون علی الصلاة و الزكاة و الصيام و الحج مع المؤمن؟ فقال: أليس... ا... قد قال: ﴿والله يُضعف لمن يشاء﴾ (همان). «آیا در ارث بردن مؤمن در ارث و قضايا و احکام بر مسلمان برتری دارد؟ به گونه‌ای که سهم مؤمن بیش از سهم مسلمان باشد؟ فرمود: نه. هر دو به یک شیوه‌اند. مگر امام درباره آنها حکم کند. امام مؤمن نسبت به مسلمان در اعمالش برتری و ویژگی دارد. مگر خداوند نفرموده است: هر که عمل نیک انجام دهد، ده برابر آن پاداش می‌گیرد. آیا گمان کردی که در نماز و زکات و روزه و حج دیگران با مؤمن جمع هستند؟ مگر خداوند نفرمود که بر هر که بخواهد می‌افزاید».

(ه) دلالت الفاظ در قرآن

در بیاناتی از تفسیر آیات قرآن، امام باقر علیؑ معنای لفظ یا الفاظی از آیه را بیان

فرموده‌اند. برای نمونه درباره آیه ۱۳۵ آل عمران که می‌فرماید: ﴿وَلَمْ يُصِرُّوا عَلٰی مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾. فرمود: «الاصرار أن یدنب المذنب فلا یتستفر الله. و لا یحدّث نفسه بتوبه، فذلک الإصرار»؛ «اصرار این است که فرد گنهکار گناه را مرتکب می‌شود و از خداوند طلب مغفرت نمی‌کند و به خود توبه را متذکر نمی‌شود. این است اصرار».

و) بیان شأن و سبب نزول آیه

در بیان آیاتی از قرآن کریم، امام علیؑ فردی را که آیه درباره او نازل شده است معرفی فرموده‌اند. از جمله درباره آیه ۱۰۲ سوره توبه که می‌فرماید ﴿و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخرُ سیئاً عسی الله أن یتوب علیهم ان الله غفورٌ رحیم﴾ که حضرت فرمودند: «انها نزلت فی ابی لبابه و لم یدکر غیره معه و سبب نزولها فیه ما جرى فی بنی قریظه حین قال ان نزلتم علی حکمه فهو الذبح» (طبرسی ۱۴۲۱: ج ۵، ۶۷).

۳. علم کلام

بسیاری از سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای امام ابو جعفر علیؑ در مسائل کلامی - توحید، نبوت، امامت و... است. امام باقر بسیاری از خطبه‌های امیرالمؤمنین در مسائل توحید و صفات الهی را روایت فرمود (شریف قرشی ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۹۰). از آن حضرت درباره محکم‌ترین و دقیق‌ترین بحث‌های این علم سؤال می‌شد و ایشان پاسخ می‌گفتند. نکته قابل ذکر این که، دوران ولایت این امام همام از شدیدترین دوران‌های حساس اسلامی بود که بسیاری از سرزمین‌ها فتح شد و عالم اسلام با منکران و معاندان و مکاتب مختلفی روبه‌رو شد که موجد شک و شبهه زیادی در دین اسلام می‌شدند. از جمله در مسائل توحید، صفات ذات‌الله، علم‌الله، امامت (نیاز به امام، وجوب شناخت امام، اطاعت از امام، حق امام بر مردم، ولایت ائمه اهل بیت، تعداد ائمه، علم ائمه و...) پاسخ می‌گفتند.

جابرین یزید جعفری می‌گوید که شنیدم امام ابو جعفر علیؑ فرمود: «انما یعرف الله عزّوجل و یعبده من عرف امامه متّاهل البیت و من لا یعرف الله عزّوجل و لا یعرف

الامام منا اهل البيت فانما يعرف و يعبد غير الله» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۸۱) «به درستی هر که امامش از میان ما اهل بیت را شناخت، خدا را شناخته و می پرستد و کسی که خدای عزوجل را نشناخت و امام از ما اهل بیت را نشناخت، همانا غیر خدا را شناخته و پرستش می کند».

ابوحمزه از حضرت عليه السلام سؤال می کند که حق امام بر مردم چیست؟ فرمود: «حقه علیهم أن یسمعوا و یطیعوا». حق امام بر مردم این است که به آن حضرت گوش فرا دهند و اطاعت کنند. سپس می پرسد: حق مردم بر امام چیست؟ فرمود: «یقسم بینهم بالسویة، و یعدل فی الرعیة» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۰۵) در میان مردم یکسان رفتار کند و درباره زیردستان عدالت برقرار کند.

نیز امام باقر عليه السلام فرمود: «بُنی الاسلام علی خمس: الصلاة و الزکاة ۳۳ و الصیام و الحج و الولاية و لم یناد بشيء کمانودی بالولاية فأخذ الناس بأربع و ترکوا هذه — یعنی الولاية —» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۸۳) یعنی «اسلام بر پنج اساس بنا نهاده شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، (مسلمانان) به هیچ مطلبی به اندازه ولایت توصیه نشده اند. مردم آن چهار تا را رعایت می کنند و این یکی (یعنی ولایت) را رها می سازند».

مناظره های آن امام همام با علمای اسلامی و دیگران حاوی مباحث کلامی است. نمونه هایی از آن عبارت است از:

۱. پاسخ به محمد بن المنکدر از زاهدان و عابدان مشهور آن زمان
محمد می گوید: «نمی دیدم که علی بن الحسین عليه السلام کسی را جانشین خود بخواند جز محمد بن علی عليه السلام را. آن گاه که محمد بن علی را دیدم خواستم او را موعظه کنم. اطرافیان محمد بن منکدر به او می گویند درباره چه چیزی می خواهی او را موعظه کنی؟ گفت: در ساعت گرمای شدید روز به ناحیه ای بیرون مدینه رفتم. ابوجعفر محمد بن علی عليه السلام را دیدم در حالی که مردی سنگین وزن بود به دو غلام تکیه کرده بود. به خودم گفتم: «سبحان الله شیخ من أشیاء قریش فی هذه الساعة علی هذه الحال فی طلب الدنيا» پس می روم او را موعظه می کنم. به او نزدیک شدم و گفتم: خداوند امورت را اصلاح کند در این ساعت گرما شیخی از شیوخ قریش در طلب دنیا چرا در

اینجا این چنین هستی؟ اگر الان اجلت برسد و بر همین حال باشی چه خواهی کرد؟ فرمود: «لوجاءنی الموت و أنا علی هذه الحال، جاءنی و أنا فی طاعة من طاعة الله عزوجل أكفّ بها نفسی و عیالی عنک و من الناس...»، «اگر مرگ به سراغم بیاید و من در این حالت باشم، مرگ مرا دریافته در حالی که من در حال اطاعت خدای عزوجل هستم، پس جان و خانواده‌ام را از تو و مردم به وسیله طاعت خدا حفظ می‌کنم. محمد بن منکدر می‌گوید: گفتم: راست می‌گویی، خدا تو را رحمت کند. خواستم تو را موعظه کنم، تو مرا موعظه کردی» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۵، ۷۳).

۲. احتجاج با عبدا... بن نافع بن أزرق از خوارج (کلینی ۱۳۶۷: ج ۸، ۳۴۹؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۳۴۷).

۳. احتجاج با قتادة بن دعامة بصری

قتادة نزد ابوجعفر علیه السلام رفت. حضرت به او گفتند: تو فقیه اهل بصره هستی؟ گفت: مردم چنین می‌گویند. امام علیه السلام فرمود: چنین شنیده‌ام که قرآن تفسیر می‌کنی؟ گفت: بله. امام علیه السلام فرمود: از روی علم تفسیر می‌کنی یا از روی جهل؟ او گفت: با علم. امام باقر علیه السلام فرمود: «فان كنت تفسره به علم فانت أنت و أنا أسألک؟» قتادة گفت: بفرسید. حضرت درباره آیه ۱۸ سوره سبأ ﴿و قدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و آیاماً آمینین﴾ سؤال کردند و پاسخ قتادة مقبول نبود و امام به او گفتند که به هوای نفس خودت تفسیر کرده‌ای، پس هلاک شدی و دیگران را هلاک کرده‌ای. سپس درباره آیه ۳۷ سوره ابراهیم که می‌فرماید: ﴿... فاجعل أفئدة من الناس تهوی الیهم﴾ بیان او پذیرفته نبود و حضرت به او فرمودند: «ویحک یا قتادة انما يعرف القرآن من خوطب به» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۸، ۳۱۱؛ ج ۶، ۲۵۶؛ برای توضیح بیش‌تر نک مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۳۴۹ و ۳۵۸): «وای بر تو ای قتادة. به درستی که قرآن را کسانی که به آن‌ها وحی شده می‌شناسند».

۴. طاووس یمانی علاقه داشت که از حضرت سؤال کند ولی حضرت نتواند پاسخ بگوید، لکن هر بار که از امام در برابر دیگران سؤال کرد تا شاید امام را مغلوب سازد، اما در پاسخ بر او غلبه کردند (طبرسی ۱۴۲۱: ۳۲۶ و ۳۲۹؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۳۵۱-۳۵۲).

۵. احتجاج با عبدا... بن معمر لیشی درباره متعه
عبدالله بن معمر به ابوجعفر امام باقر علیه السلام عرض کرد: خبردار شدم که به متعه فتوا
می دهی؟ حضرت فرمودند: «أحلها الله فی کتابه و سنّها رسول الله صلی الله علیه و آله و عمل بها
أصحابه» عبدالله گفت: عمر ما را از آن نهی کرد. حضرت فرمودند: «انت علی قول
صاحبک و أنا علی قول رسول الله صلی الله علیه و آله...» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۶، ۳۵۶).

علم فقه

پیش از امام باقر علیه السلام در جامعه اسلامی، به فقه و احادیث فقهی در حد گسترده و به
طور کامل بی اعتنایی می شد. درگیری های سیاسی و اندیشه های مادی گرایانه شدیدی
که دامنگیر دستگاه حکومت شده بود باعث غفلت از اصل دین و به ویژه فقه در میان
مردم شده بود (جعفریان ۱۳۸۳: ۲۹۲) لذا امام علیه السلام مباحث فقهی را مطرح و احکام را
اصلاح می فرمودند.

بیش تر مباحث فقه اهل بیت از فرمایشات امام باقر و فرزندش امام صادق علیهما السلام
گرفته شده است. مجموعه های فقه امامیه از جمله کتاب: حدائق، جواهر، مستمسک
عروة الوثقی، وسایل الشیعه، تهذیب الاحکام و من لا یحضره الفقیه، بیش تر
احادیثشان را از فرمایشات و مکتوبه های این دو امام بزرگوار اخذ کرده اند.

در نشر فقه اسلامی و تبیین آن به صورت پاسخ سؤال ها در زمانی که جامعه اسلامی
در دگرگونی های سیاسی غرق بود و حکام جامعه اسلامی در مسائل دینی کاملاً اهمال
می کردند، امام باقر علیه السلام به آن ها اهتمام کامل داشتند.

مصطفی عبدالرزاق می گوید: «از مطالب معقول این است که تدوین فقه در میان
شیعیان سریع تر بود زیرا اعتقاد آنان به عصمت ائمه شان یا چیزی شبیه عصمت، سبب
آزادی در تدوین قضاوت و فتوای ائمه شان می شد (شریف قرشی ۱۴۱۳: ۲۱۷، به
نقل از تمهید لتاریخ الفلسفة الاسلامی).

ادعیه

دعاهایی از امام باقر علیه السلام به ثبت رسیده است مانند دعای آن حضرت در دل شب

(کلینی ۱۳۶۷: ج ۲، ۴۲ و ۴۳، ح ۳، ۴، ۷، ۹) دعای صبحگاهی (همان: ج ۲، ۵۲۸ «کتاب الدعاء»، ح ۱۸ و ۱۹)، دعای بعد از اطعام و برای رزق و روزی و همه حوائج دنیا و آخرت (همان: ج ۲، ۵۵۱، ح ۴)، برای خروج از خانه (همان: ج ۲، ۵۴۳، ح ۱۰) و... که کلینی به اسناد خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: پدرم می فرمود: «الحمد لله الذی اشبعنا فی جائعین و اروانا فی ظامین و آوانا فی ضاحین و حملنا فی راجلین و آمننا فی خائفین و أخذنا فی عانین» (امین [بی تا]: ج ۱، ۶۵۶): «سپاس خدای را که ما را در میان گرسنه ها سیر کرد و در میان تشنگان سیراب نمود و در برابر خورشید حفظ کرد و پیادگان ما را سوار نمود و در میان ترسندگان، پناه داد و در میان کمک شدگان قرار داد».

برای همه حاجت های دنیا و آخرت: زراره از امام ابو جعفر نقل می کند که برای حاجت ها فرمود، بگوئید: «اللهم انی أسألك من کل خیر أحاط به علمک و أعوذ بک من کل سوء أحاط به علمک، اللهم انی أسألك عافیتک فی اموری کلها و أعوذ بک من خزی الدنیا و عذاب الآخرة» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۲، ۵۷۸، «کتاب الدعاء» باب دعوات موجزات لجميع الحوائج، ح ۳)؛ «بار خدایا از تو می خواهم هر خوبی را که دانش است آن را فرا گرفته و به تو پناه می برم از هر بدی که دانشات آن را احاطه کرده، بار خدایا از تو طلب عافیت در همه کارهایم دارم و پناه می برم به تو از خواری و رسوایی دنیا و از عذاب آخرت».

مواعظ، وصیت ها و سفارش های امام باقر علیه السلام

آن امام همام برای راهنمایی مردم، اطرافیان و خواص فرمایشات بسیار سودمندی داشتند، از جمله:

□ وصیت آن حضرت به جابر جعفی است که در آن فرموده اند: «اوصیک به خمس: ان ظلمت فلا تظلم و ان خانوک فلا تخن و ان کذبت فلا تغضب و ان مدحت فلا تفرح و ان ذممت فلا تجزع و فکر فیما قیل فیک فان عرفت من نفسک ما قیل فیک فسقوطک من عین الله جل و عز عند غضبک من الحق» (ابن شعبه الحرانی ۱۳۶۳: ۲۹۲)؛ «تو را به پنج چیز سفارش می کنم: اگر مورد ستم قرار گرفتی ظلم نکن و اگر مورد خیانت قرار

گرفتی، خیانت نکن و اگر تکذیب شدی خشمگین مشو و اگر مورد مدح و ستایش قرار گرفتی خوشحال نشو و اگر مورد مذمت واقع شدی جزع و زاری نکن و درباره آنچه درباره‌ات می‌گویند تفکر کن و اگر آنچه درباره‌ات می‌گویند در خویش یافتی، نزد حق تعالی به سبب خشمت فرو افتاده‌ای...».

□ وصیت امام باقر علیه السلام به شیعیانشان: «یا معشر شیعتنا، اسمعوا و افهموا و صایانا، و عهدنا الی اولیائنا اصدقوا فی حدیثکم، و بروا فی ایمانکم لأولیائکم و اعدائکم و تواصوا باموالکم و تحابوا بقلوبکم، و تصدقوا علی فقرائکم و اجتمعوا علی امرکم، و لا تدخلوا غشاً و لا خیانة علی أحدٍ و لا تشکوا بعد الیقین و لا تولوا بعد الاقدام جیناً و... و لا تكونن عملکم لغير ربکم و لا ایمانکم و قصدکم لغير نبیکم و استعینو بالله و اصبروا فان الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین...» (شریف قرشی ۱۴۱۳: ۲۴۶)؛ «ای جماعت شیعیان ما! توصیه‌های ما را بشنوید و درک کنید و عهد ما با اولیایمان را در گفتارتان تصدیق کنید، یعنی تکرار کنید، در پیمان با دوستان و دشمنانتان پایدار باشید. به کمک امواتان پیوند برقرار کنید و با قلب‌هایتان (ما را) دوست بدارید. به مستمندانتان صدقه بدهید و بر کارها و مسائل‌تان همدست شوید و ریا و خیانت بر کسی وارد نکنید. پس از یقین آوردن شک نکنید و پس از تصمیم گرفتن، سستی و بزدلی نکنید. کارهایتان برای غیرخدایتان نباشد و سوگندها و تصمیم‌هایتان جز در راه پیامبرتان نباشد. از حق تعالی طلب کمک کنید و صبر داشته باشید، زیرا خداوند زمین را به هر که از بندگانش بخواهد می‌دهد و عاقبت از آن پرهیزکاران است.»

نزدیک به ۷۰ کلمه قصار و موعظه آن حضرت در کتاب تحف العقول (۳۱۰-۳۰۱) گرد آمده است.

آثار منسوب به امام باقر علیه السلام

مصادر و مراجع رجالی و تحقیقی به بسیاری از آثار امام باقر علیه السلام اشاره دارد. محمد عجاج خطیب گوید: محمد باقر بن علی بن الحسین کتاب‌های بسیار داشت که برخی از آن‌ها را فرزندش جعفر شنید و خواند (حسینی جلالی ۱۴۱۳: ۲۵۴) آنچه از این آثار

ذکر شده، عبارت‌اند از:

۱. تفسیر القرآن

این تفسیر از املاء امام باقر علیه السلام و انشاء ابوالجارود زیاد بن منذر صحابی امام محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهما السلام بوده (این ندیم ۱۳۶۶: ۱۳۱) اما به صورت اولی خویش موجود نیست و سید محسن امین می‌گوید: علی بن ابراهیم قمی از تفسیر آن حضرت در تفسیرش آورده است (امین [بی تا]: ج ۱، ۶۵۶). با تحقیق در کتب روایی و تفاسیر متأثر در می‌یابیم که روایات منقول از آن حضرت در خصوص آیات قرآن کریم در کستاب‌هایی همچون تفسیر فرات، تفسیر عیاشی، خصال صدوق، اختصاص مفید، بصائر الدرجات، مناقب ابن شهر آشوب، بحار الانوار مجلسی و کتاب‌های دیگر موجود است.

۲. کتاب

عبد المؤمن بن قاسم بن قیس بن فهد انصاری از روایان امام باقر و امام صادق علیهما السلام که فردی ثقة بود، دارای کتابی بوده که نجاشی سند خود را به آن ذکر کرده است (نجاشی [بی تا]: ۱۷۴). در این کتاب، امام از احوال انبیاء و حاکمان جابر (فراعنه) زمام آن‌ها، حکم‌ها و آداب گزارش فرموده، سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شرح حال آن حضرت، جنگ‌های آن بزرگوار را شرح داده است که ابن هشام، واقدی، حلبی و دیگران که کتاب سیره تدوین کردند از این کتاب بهره بردند. طبری در تاریخ‌اش و بلاذری در کتاب انساب نیز از این مجموعه استفاده کرده‌اند (شریف قرشی ۱۴۱۳).

۳. نسخه احادیث

مجموعه حدیثی که خالد بن طهمان^۱ از امام باقر علیه السلام نقل کرده و نجاشی آن را ذکر کرده است (خوبی [بی تا]: ۱۱۰).

۴. نسخه احادیث

مجموعه حدیث دیگری که خالد بن ابی کریمه^۲ آن را نقل کرده و نجاشی در رجال‌اش

۱. ابوالعلاء خفاف سلولی، صاحب نسخه احادیث از ابو جعفر از عامه بوده، ابن نوح او را ذکر کرده، شیخ او را از اصحاب امام باقر ذکر کرده.

۲. نجاشی گوید: «خالد بن ابی کریمه از باقر علیه السلام روایت کرده، ابن نوح او را ذکر کرده و شیخ و برقی او را در

متذکر شده است (نجاشی [بی‌تا]: ۱۰۹؛ خوبی [بی‌تا]: ج ۷، ۱۱).

۵. کتاب

زراره عالم شیعی که از کبار اصحاب امام بود کتابی از آن حضرت نقل کرده است (نجاشی [بی‌تا]: ۱۲۵).

۶. رساله آن حضرت به سعدالاسکاف

۷. رساله دیگری که کلینی در «روضه کافی» از آن نقل کرده است (امین [بی‌تا]: ج ۱، ۶۵۶). صحف و مجموعه‌هایی که از آن حضرت نقل شده، اشاره به تحول فرهنگی عظیم در زمان آن حضرت دارد.

شاگردان آن حضرت که به تدوین علوم و کتاب حدیث اهتمام داشتند

در منابع موجود برخی از اصحاب و شاگردان امام باقر علیه‌السلام معرفی شده‌اند که به امر کتابت توجه فراوان داشتند، از جمله:

۱. سلام بن ابی عمره^۱

۲. مسعدة بن صدقه^۲

۳. مسمع بن عبدالملک^۳

اصحاب باقر ذکر کرده‌اند.

۱. نجاشی درباره‌اش می‌نویسد: ثقه است که از ابوجعفر و ابو عبدالله علیهما السلام روایت کرده، ساکن کوفه بود، دارای کتابی است که عبدالله بن جبلة از آن روایت کرده است. جمعی از اصحاب ما از احمد بن محمد بن سعید از... مرا از آن آگاه ساخته‌اند (رجال ۱۴۱۵: ۱۳۴)؛ شیخ طوسی نیز نام او را سلام بن عمرو ذکر کرده که طریقش به وی مانند نجاشی است. معلوم نیست که عمره، عمرو شده یا نام ابو عمره، عمرو بوده است (ابن ندیم ۱۳۶۶: ۱۴۴).

۲. مسعدة بن صدقه عبیدی مکنی به ابا محمد (به گفته ابن فضال) نیز گفته شده که مکتبا به ابایش که از امام صادق و کاظم علیهما السلام روایت کرده است. دارای کتاب‌هایی بوده از جمله کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه‌السلام که ابن شاذان ما را از آن آگاه ساخته است (نجاشی [بی‌تا]: ۲۹۵)؛ شیخ طوسی نیز گفته است که دارای کتاب بوده (ابن ندیم ۳۶۶: ۲۴۸) و او را عامی نامیده (نجاشی [بی‌تا]: ۱۴۶).

۳. مسمع بن عبدالملک کردین یکنی ابا سیار، کوفی (نجاشی [بی‌تا]: ۱۴۵)؛ نجاشی نیز پس از معرفی او با نسبت پدرانش، می‌نویسد: شیخ بکر بن وایل در بصره و مورد توجه در آنجا بوده است از برادرش عامر بن عبدالملک برتر بوده در بصره دارای نسلی است. از ابو جعفر روایتی دارد و بیش‌تر روایاتش از امام صادق است و مختص به آن حضرت است. امام صادق علیه‌السلام به او فرمود: «انی لاعذک لامر عظیم یا اباالسیار». از امام کاظم علیه‌السلام هم روایت کرده است. دارای کتاب نوادر زیادی است و ایام السبوس را روایت کرده است (نجاشی [بی‌تا]: ۳۹۷ - ۳۹۸).

۴. ظریف بن ناصح^۱

۵. ابو جعفر محمد بن الحسن بن ابی ساره^۲

نتیجه

از آنچه گفته شد، نقش بسیار مؤثر امام باقر علیه السلام در ترویج علم و احیاء احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و پدران آن جناب آشکار می شود. مقابله با فرقه های نوظهور در جامعه اسلامی و نفی و رد آن ها و هدایت و توصیه مردم به پیروی از منبع وحی به روش بیان تفسیر آیات و مباحث کلامی و احیا کردن فقه امام علی بن ابی طالب و آموزش صحیح احکام فقهی، همه و همه اهتمام آن حضرت را به حفظ کلام و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را آشکار می سازد.

منابع و مأخذ

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، [بی تا]، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن حجر (۱۴۱۲)، تهذیب التهذیب؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد [بی تا]، مسند، بیروت، دار صادر.
- ابن سعد، محمد (۱۳۸۸)، الطبقات الکبری، ج ۸، بیروت، دار صادر.
- ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول، تهران، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن عماد حنبلی [بی تا]، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶)، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد، تهران،

۱. اصلش از کوفه بود که در بغداد زندگی کرد و در حدیث گفتن ثقه و صدوق بود. دارای کتاب هایی بوده است از جمله کتاب دیات که عده ای از اصحاب ما (علمای شیعه) آن را روایت کرده اند. کتاب حدود، کتاب نوادر و کتاب الجامع. نجاشی طریق خویش را به هر یک از این کتاب ها گفته است (نجاشی [بی تا]: ۱۴۷ - ۱۴۶). شیخ طوسی او را در زمره اصحاب امام باقر نام برده (نجاشی [بی تا]: ۱۳۸۰) و کتاب دیات او را یاد کرده و طریق خویش به آن را گفته است. (ابن ندیم ۱۳۶۶: ۱۵۰).

۲. مولی الانصار معروف به الرواسی، اصلش از کوفه بود. خودش و پدرش از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت می کردند. او عموزاده محمد بن حسن معاذ بن مسلم بن ابی ساره بود که همه ایشان از خاندان فضل و ادب بودند. ثقه بودند که طعنی درباره شان نرسیده است. او دارای کتاب وقت و ابتدا کتاب الهمز و کتاب اغراب القرآن بوده است. نجاشی طریق خویش را به این آثار گفته است (نجاشی [بی تا]: ۲۲۷)؛ شیخ طوسی نام او را در زمره اصحاب امام باقر ذکر کرده است (خویی [بی تا]: ۱۴۴).

امير كبير.

- اربلي، علي بن عيسى (١٤٠٥)، كشف الغمة في معرفة الائمه، چاپ دوم، دارالاضواء، بيروت.
- ابوريه، محمود [بى تا]، اضواء على السنة المحمديه، چاپ سوم، مصر، دارالمعارف.
- اردبيلي غروي حائرى، محمد بن على (١٤٠٣)، جامع الرواة؛ دارالاضواء، بيروت.
- امين، سيد محسن [بى تا]، اعيان الشيعة؛ تحقيق حسن امين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- جعفریان، رسول (١٣٨٣)، حیات فکری و سياسی امامان شيعه عليه السلام؛ چاپ هفتم، قم، انصاريان.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن (١٤٠٣)، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، تهران، الاسلاميه.
- حسینی جلالی، محمدرضا (١٤١٣)، تدوين السنة الشريفة، قم، مركزالنشر مكتب الاعلام الاسلامی.
- خطيب بغدادی، احمد بن على [بى تا]، تقيد العلم [بى جا].
- شرف اصحاب الحديث (١٩٧١)، تحقيق محمد سعيد خطيب أوغلی، مطبعة جامعة أنقرة.
- خويی، ابوالقاسم [بى تا]، معجم الرجال الحديث، قم، مدينة العلم.
- ذهبي، محمد بن احمد [بى تا]، ميزان اعتدال في نقد الرجال، دار الفكر العربي.
- — [بى تا]، تذكرة الحفاظ، بيروت، دار احياء التراث العربي.
- سيوطی، جلال الدين (١٤١٧)، تدريب الراوى في شرح تقريب النواوى، مكة مكرمة، مكتبة نزار، مصطفى الباز.
- — (١٤٢١) الدر المنثور، لبنان، دارالكتب العلمية.
- شريف قرشي، باقر (١٤١٣)، حياة الامام محمد، الباقر، بيروت، دارالبلاغة.
- صدوق، محمد بن على بابويه (١٤٠٣)، الخصال، على اكبر غفارى، قم، جماعة المدرسين.
- — (١٤٢٥)، علل الشرايع، بيروت، مؤسسه التاريخ العربي.
- الصغير، محمد حسين على (١٤٢٣)، موسوعة اهل البيت الحضارية، بيروت، مؤسسه العارف للمطبوعات.
- طبرسى، ابو منصور احمد بن على بن ابى طالب (١٤٢١)، الاحتجاج، چاپ سوم، بيروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسى، ابو على فضل بن حسن (١٣٧٩)، مجمع البيان في تفسير القرآن؛ احياء التراث العربي، بيروت.
- طبرى، ابن جرير [بى تا]، تاريخ الطبرى، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، الطبعة الثانية، بيروت، دارالاحياء التراث العربي.
- — [بى تا]، اعلام الورى بأعلام الهدى؛ تصحيح على اكبر غفارى، تهران، مكتبة الاسلاميه.

- طوسی، محمد بن حسن (١٣٩٠)، تهذيب الاحكام في شرح المقنعة؛ تهران، دارالكتب الاسلاميه.
- _____ (١٤١٥)، رجال؛ تحقيق جواد قيومي اصفهاني، قم، مؤسسه نشر الاسلامي.
- _____ (١٤٢٢)، الفهرست، تحقيق جواد قيومي، [بي جا]، مؤسسه نشر الفقاهة.
- عطاردی، عزيزالله (١٣٨١)، مسند امام باقر عليه السلام؛ عطارد.
- عياشي، محمد بن مسعود [بي تا]، تفسير عياشي تهران، مكتبة العلميه الاسلاميه.
- غروي نائيني، نهله (١٣٧٥)؛ محدثات شيعه؛ تهران، مركز نشر دانشگاه تربيت مدرس.
- فروخ صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤)، بصائر الدرجات، قم، كتابخانه آية الله مرعشي.
- فيض كاشاني، محمد محسن [بي تا]، تفسير الصافي، تهران، دار الكتب السلاميه.
- قمی، علی بن ابراهيم [بي تا]، تفسير، مؤسسه دارلكتاب.
- كاتب واقدي، محمد بن سعد [بي تا]، الطبقات الكبرى؛ بيروت، دار صادر.
- كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٧)، الكافي، تهران، على اكبر غفاري، چاپ سوم، دار الكتب الاسلاميه.
- متقی هندی (١٩٩٣)، كنز العمال، دمشق، مؤسسه الرساله.
- مجلسي، محمد باقر (١٤٠٣)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة؛ بيروت، دار احياء التراث العربي.
- _____ (١٤١٣)، المعجم المفهرس لالفاظ احاديث بحار الانوار؛ قم، مركز الابحاث و الدراسات الاسلاميه، مكتب الاعلام الاسلامي في الحوزة العلميه.
- معروف حسني، هاشم [بي تا]، سيرة الأئمة الاثني عشر، بيروت.
- مفيد، محمد بن نعمان العكبري [بي تا]، الاختصاص، تصحيح و تعليق على اكبر غفاري، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلميه.
- _____ (١٣٩٩)، الارشاد؛ چاپ سوم، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- نجاشي، احمد بن علي [بي تا]، فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال نجاشي)، قم، مكتبة الداوري.
- يعقوبي، ابن واضح (١٩٥٥)، تاريخ اليعقوبي، طبع بيروت.